

به مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۵

فرصت برابر و برابری حقوقی در سرمایه داری

برای تضمین برابری جنسیتی کافی نیست!

آزاده ارفع

موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان در هیچ جای دنیا با موقعیت مردان برابر نیست. حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز زنان به برابری واقعی با مردان دست پیدا نکرده اند. سازمان ملل در گزارشی تحت عنوان "پیشرفت زنان در سال ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶" آمارهای تکان دهنده ای را ارائه داده که نشان می دهد برابری حقوقی بتهائی نمی تواند به برابری واقعی زنان بیانجامد (۱). در این گزارش به نکات مهمی اشاره شده که دال بر نابرابری های واقعی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جهان است و از حکومت ها خواسته است که برای حل این معضل متعهد شوند که سیاست های اجتماعی خود را تغییر داده و با زنان برخورد متفاوتی انجام شود. گزارش می گوید: "ما باید از ایجاد موقعیت برابر برای تضمین نتایج برابر فراتر برویم. رویکردی متفاوت نیاز است تا برابری واقعی در عمل بدست آید." در این گزارش تاکید شده است که "برابری حقوقی برای زنان نمی تواند به برابری واقعی منجر شود و حکومت ها باید سیاست اساسی اجتماعی اتخاذ کنند بطوری که وظایف خانگی تقسیم شود و زن بتواند نقش برابر در جامعه داشته باشد." گزارش می گوید تنها با برداشتن موانع حقوقی در ارتباط با اشتغال زنان برابری جنسیتی تامین نمی شود بلکه باید تدابیر دیگری نیز اندیشید از جمله ایجاد فرصت های شغلی با پرداخت حقوق برای زنان، حمایت از زنانی که کار خانگی انجام می دهند، ایجاد نظام مراقبت کارآمد از کودکان، دادن مرخصی زایمان با پرداخت حقوق برای مادران. این تدابیر باید در نهایت موجب آزاد ساختن وقت زنان شود.

مسئول بخش زنان سازمان ملل پومزیل مالمبو- نیگوکا (Phumzile Mlambo-Ngcuka) با استناد به گزارش سازمان ملل می گوید: مراقبت از کودکان در همه کشورها مسئله است ولی مسئله ای است که به مادران مربوط نیست. این حکومت ها هستند که باید در گسترش صنعت خدمات در مراقبت از کودکان تلاش کرده و شرایطی ایجاد کنند که دسترسی این خدمات برای همگان ممکن باشد."

طبق این گزارش سازمان ملل آمار نشان می دهند که در سطح جهانی به دلایلی که مطرح شد ۷۷٪ مردان در سن کار در سطح جهانی درصاف نیروی کار قرار دارند در حالی که تنها نصف زنان در سنین کار درصوف نیروی کار در سطح جهانی وارد شده اند. در سطح جهانی زنان ۲۴٪ درآمدشان از مردان کمتر است در حالی که دو و نیم بار بیشتر از مردان وظایف مربوط به مراقبت از کودکان و

کار خانگی را انجام می دهند. در مناطق اقتصادی پیشرفته ۷۵٪ اشتغال زنان فاقد امنیت شغلی است، از پوشش شغلی کافی برخوردار نیست و حقوق پرداخت شده نیز بسیار پائین است. تنها ۵٪ زنان در آسیای جنوبی در کار رسمی اشتغال دارند، این رقم در آفریقا و صحرا تنها ۱۱٪ است. این گزارش نشان می دهد که تقسیم کار برای انجام وظایف خانگی نقش تعیین کننده ای در دستیابی به برابری پایه ای در سطح جهانی داشته و مراقبت از کودکان بزرگ ترین مانع برای پیشرفت اقتصادی زنان در همه کشورهای جهان می باشد. ۴۴٪ مادران در کشورهای فقیر فرزندان خود را بطور کامل خودشان بزرگ می کنند این در حالی است که در کشورهای ثروتمند این رقم به ۲۹٪ می رسد. در کشورهای فقیر ۱۸٪ درصد مادران مراقبت از کودکان را به فرزند بزرگ دختر خود واگذار می کنند در حالی که در کشورهای ثروتمند ۱۵٪ مادران از نیروی کار استخدام شده برای مراقبت فرزندان خود استفاده می کنند و ۱۰٪ نیز به مراکز مراقبت و نگهداری از کودکان دسترسی دارند. این مطالعه نشان می دهد که در همه کشورها هنگامی که زنان دارای کودکان کوچک هستند به احتمال قوی کار نمی کنند و همین امر است که شکاف عظیم جهانی بین زنان و مردان را بوجود می آورد.

زنان از طریق کار خانگی بدون مزد درآمد زیادی را از دست می دهند که می توانست برای تامین نیازهای اولیه شان کمک بزرگی باشد. نداشتن درآمد و وابستگی اقتصادی به مرد خانواده عواقب ناگواری بر زندگی زنان بر جای می گذارد. علاوه بر آن، برای مادران تنها و یا خودسرپرست فقدان درآمد به معنای عدم دسترسی به بهداشت و درمان و همینطور بازنشستگی در زمان کهولت است: آمار این گزارش نشان می دهد که ۶۹٪ زنان در سنگال ۴۸٪ در پاکستان و ۲۷٪ در هائیتی می گویند که قادر نیستند تصمیم نهایی برای بهداشت و درمان خود بگیرند. در اکثر کشورها زنان بازنشستگی دریافت نمی کنند: در مصر ۶۲٪ مردان بازنشستگی دریافت می کنند در حالی که تنها ۸٪ زنان دارای بازنشستگی هستند. این تفاوت بخشاً به خاطر محدودیت های حقوقی است و بخشاً نیز به خاطر آن است که اشکال اشتغال زنان با مردان متفاوت است (آنها بیشتر در بخش غیر رسمی اقتصاد کار می کنند)، به زنان حقوق و بیمه بازنشستگی کمتری پرداخت کرده و طولانی تر زندگی می کنند. همه این حقایق آماری نشان می دهد که چرا زنان اکثریت ۷۳٪ از جمعیت دنیا را تشکیل می دهند که در سن کهولت فاقد پوشش اجتماعی و یا دارای پوشش اجتماعی بسیار ضعیف هستند. درآمدی را که زنان در ارتباط با مراقبت از کودکان و کار خانگی از دست می دهند مبلغ هنگفتی را تشکیل می دهد. زمانی را که زنان صرف کار پرداخت نشده می کنند ۳۹٪ تولید ناخالص داخلی هند را تشکیل می دهد. در نیکاراگوئه این رقم به ۳۱٪ درصد و در آرژانتین به ۱۰٪ میرسد.

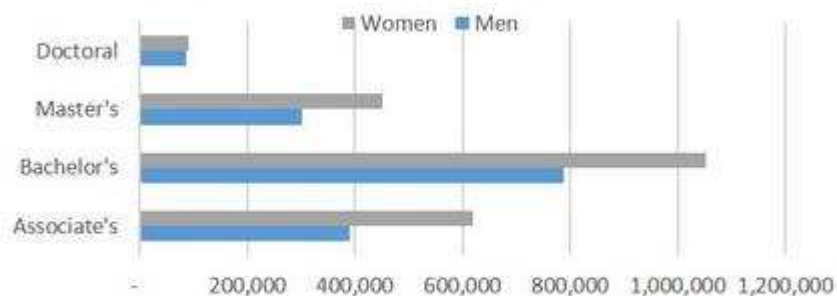
مطالعات آماری اتحادیه های کارگری آمریکا (AFL-CIO) (۲) درباره نقش زنان در نیروی کار متخصص و فنی، که در فوریه ۲۰۱۵ روزآمد شده است، فاصله درآمد زنان با مردان را در همه رشته های شغلی نیروی کار متخصص و فنی در آمریکا، پیشرفته ترین کشور سرمایه داری جهان را، به خوبی به تصویر می کشد. گزارش می گوید اگر چه در چند دهه گذشته زنان وضعیت خود را از نظر شغلی بهبود بخشیده اند اما هنوز باید برای دست یابی به عدالت شغلی همچنان مبارزه کنند. یکی از نکات برجسته این گزارش آن است که زنان برخلاف دهه های پیش از نظر تحصیلات عالی، که از الزامات دست یابی به مهارت های تخصصی است، در همه رده ها از مردان پیشی گرفته اند اما علیرغم آن به عنوان نیروی کار متخصص در همه مشاغل درآمدشان از مردان کمتر است.

گزارش با اشاره به آمار دسامبر ۲۰۱۴ میگوید ۷۳ میلیون زن در صف نیروی کار قرار دارند که کمی کمتر از نصف نیروی کار آمریکا بوده (۴۷ درصد) و در همان حال اکثریت نیروی کار متخصص و فنی کشور را تشکیل میدادند (۵۱ درصد). نسبت نیروی کار زنان به مردان در طی تنها یک نسل به طور اساسی دگرگون شده است. در سال ۱۹۷۲، زنان تنها ۳۸ درصد نیروی کار را تشکیل میدادند. پس از سال ها رشد مداوم در اواسط دهه ۱۹۹۰ نسبت زنان در نیروی کار تقریباً با مردان برابر شده است و از آن پس این نسبت همچنان ثابت مانده است. اما علیرغم ورود وسیع زنان به صف نیروی کار و به ویژه این حقیقت مهم که آنها اکنون اکثریت کار متخصص و فنی را تشکیل میدهند میراث گذشته همچنان بر روی مختصات نیروی کار زنان سنگینی می کند و تبعیض جنسیتی در ارتباط با نابرابری زنان با مردان چهره خود را نشان میدهد. بررسی دو نمودار در این عرصه بسیار روشنگر است.

#### نمودار اول: درجه تحصیلی پس از دبیرستان در سال ۱۳-۲۰۱۲

اگر چه تبعیض جنسیتی موجب شده است که زنان شاغل در کلیه رده های شغلی از تحصیلات کمتری نسبت به مردان برخوردار باشند اما زنان در سالیان اخیر به ویژه در ارتباط با تحصیلات عالی پس از دبیرستان نه فقط فاصله خود را با مردان کمتر کرده اند بلکه از آن ها پیشی گرفته اند. نمودار اول نشان می دهد که در تحصیلات عالی بالاتر از دبیرستان زنان در همه رده های تحصیلی از مردان پیشی گرفته اند. این امر به ویژه در تحصیلات عالی در مرحله لیسانس بسیار چشمگیر است.

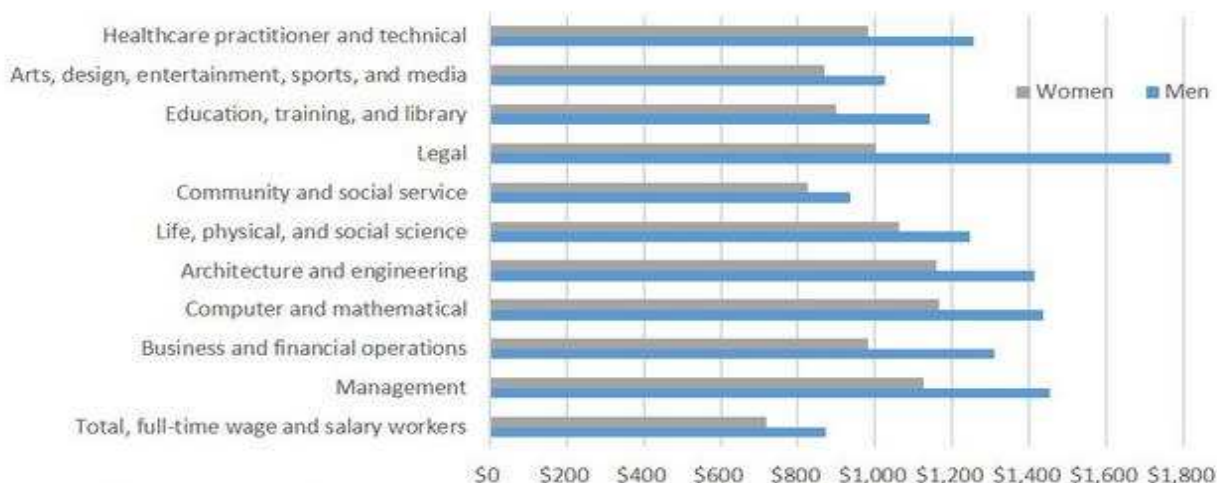
### Post-secondary degrees conferred in 2012-13



source: U.S. Department of Education, National Center for Education Statistics, Digest of Education Statistics, Tables 321.10; 322.20; 323.20; and 324.20. 2014.

نمودار دوم شکاف در میان درآمد زنان با مردان در نیروی کار متخصص

### Median weekly earnings by gender and occupation group, 2014



source: U.S. Department of Labor, Bureau of Labor Statistics, *Current Population Survey*, Table 39, "Median weekly earnings of full-time wage and salary workers by detailed occupation and sex," 2014.

نمودار بالا متوسط درآمد هفتگی کارگران متخصص در گروه های مختلف شغلی را بر اساس جنسیت در ده رشته را نشان میدهد. در همه ده رشته کار تخصصی، بدون استثناء متوسط حقوق هفتگی زنان از مردان متخصص کمتر است حتی در رشته های خدمات اجتماعی مانند بهداشت، درمان، آموزش، خدمات اجتماعی و نیز امور اداری که نسبت اشتغال زنان در آن ها بسیار بالا بوده و زنان هفتاد تا بیش از نود درصد نیروی کار این رشته ها را تشکیل می دهند. آخرین رده این نمودار یا رده یازدهم متوسط شکاف درآمد میان زنان و مردان را صرفنظر از رشته شغلی نشان داده و روشن می سازد که حقوق متوسط هفتگی زنان متخصص با شغل تمام وقت از مردان متخصص با شغل تمام وقت کمتر بوده و این

قاعده ای آهین است که در همه رشته های کار تخصصی مصداق دارد. تبعیض نهادی اعمال شده علیه زنان زمانی آشکارتر می شود که نمودار اول و دوم را با هم مقایسه کنیم. در حالی که زنان از نظر تحصیلات عالی (بالتر از دبیرستان)، که پایه علمی و عملی مهارت و تخصص های شغلی است، در همه رده های تحصیلی به شکل آشکاری از مردان پیشی گرفته اند، و در کل نیروی کار آمریکا نیز زنان ۵۱ درصد نیروی کار تخصصی و فنی را تشکیل می دهند، درآمد آن ها در همه رشته های کار تخصصی و فنی، به همان شکل آشکار از مردان عقب تر است.

همین آمار نیروی کار زنان و مردان بر حسب نژاد سفید پوست، سیاه پوست، آسیایی و لاتین های آمریکایی نیز نشان میدهد که زنان علاوه بر اینکه به دلیل زن بودن بلکه به دلیل رنگ پوست و نژادشان نیز مورد تبعیض قرار گرفته و استثمار مضاعف می شوند. در این آمار فاصله مدت زمان بیکاری زنان و مردان سفید پوست و آسیایی از زنان مردان سفید پوست و اسپانیایی تبار بیشتر است.

### حقیقت ساده!

نکته دیگری که نشان دهنده تاثیر تشکل و مبارزه طبقاتی در وضعیت درآمد زنان و مبارزه با تبعیض جنسیتی است نمودار مربوط به تفاوت درآمد میان زنان و مردانی که عضو اتحادیه های کارگری هستند با زنانی و مردانی که در تشکل های اتحادیه ای شرکت ندارند.

### نمودار سوم



این نمودار تفاوت درآمد میان زنان و مردان بر حسب عضویت و یا عدم عضویت در اتحادیه های کارگری، جنسیت، نژاد و قومیت را نشان میدهد. زنان سفید عضو اتحادیه ها درآمدها را نه فقط از زنان غیر عضو بلکه از مردان سفید غیر عضو در اتحادیه های کارگری نیز بیشتر است. در هر چهار گروه نژادی- قومی ( سفیدها، سیاه ها، آسیائی ها و لاتینی ها) زنان عضو اتحادیه بدون استثناء درآمدها را از زنان غیر عضو بیشتر است و علاوه بر آن همان طور که نمودار نشان می دهد در سه گروه سفیدها، سیاهان و لاتینی ها زنان عضو اتحادیه درآمدها را از مردان غیر عضو این گروه ها نیز بیشتر است. اما این تنها یک روی سکه حقیقت ساده نقش تشکل و پیکار در مبارزه طبقاتی است. وجه دیگر این حقیقت که بهمان اندازه ساده می باشد نشان میدهد که حتی زنان متشکل و عضو اتحادیه ها در هر چهار گروه نژادی- قومی درآمدها را از مردان عضو اتحادیه ها کمتر است. این صخره غیرقابل انکار حقایق گواه آن است که در چهارچوب نظام سرمایه داری، که بر اساس کسب حداکثر سود بنا شده است، زنان به خاطر وظائفی که در تولید مثل و کار خانگی دارند قادر نیستند ارزش اضافی برابر با مردان برای سرمایه ایجاد کنند و بنابراین میزانی از ارزش ایجاد شده که سرمایه دار به مثابه مزد و حقوق به آن ها بر می گرداند به اندازه مردان نخواهد بود. اگر چه تشکل اتحادیه ای و پیکار برای برابری جنسیتی گام مهمی برای بهبود موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان می باشد اما اگر مبارزه زنان به همین جا ختم شود حتی با برداشته شدن همه موانع حقوقی، تحصیلی، فرهنگی و .... زنان به برابری با مردان دست نخواهند یافت.

اما در پایان این نوشته لازم است بار دیگر به گزارش سازمان ملل تحت نام "پیشرفت زنان در سال ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶" برگردیم که مبتنی بر مطالعات بسیار گسترده بر روی وضعیت زنان در چهارگوشه جهان می باشد. این گزارش روشنگر اما قبل از هر چیز توصیف وضعیت زنان است تا تحلیل علل نابرابری جنسیتی فاحشی که آمار و ارقام این گزارش بر آن گواهی می دهند. البته قرار هم نیست نهادی که از نمایندگان وضعیت موجود جهان تشکیل شده بخواند و اصولاً بتواند نقبی به علل اساسی نابرابری و یا تبعیض جنسیتی بزند. راه حل گزارش سازمان ملل مبنی بر اینکه حکومت ها از طریق تقویت پوشش و حمایت های اجتماعی شرایط را برای دخالت بیشتر زنان در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را آماده کنند بیشتر شبیه خواندن لالائی برای حکومت هائی است که در مرحله کنونی تعرض نئولیبرالی سرمایه داری جهانی برچیدن نظام تامین اجتماعی را در دستور کار خود داده اند. روند کنونی در همه جوامع سرمایه داری نه فقط اجتماعی کردن کار خانگی و بنای صنعت خدماتی برای انجام وظائف مراقبت و نگهداری از کودکان و سالمندان و بنابراین رها کردن زنان از بردگی کار خانگی نیست بلکه برچیدن شبکه های پوشش اجتماعی و دولتی روند معکوس را تقویت می کند.

روندی که ملزومات نابرابری جنسیتی و یا پدرسالاری را به عنوان همزاد و جزئی لاینفک از سرمایه داری، مستحکم تر می کند. اول ماه مه فرصتی است تا بر پیوند ناگسستنی جنبش زنان با جنبش کارگری و پیوند مبارزه برای رهائی زنان با مبارزه برای برچیدن سرمایه داری تاکید مجدد داشته باشیم.

\*\*\*\*\*

(۱) - خلاصه گزارش سازمان ملل

<http://progress.unwomen.org/en/2015/pdf/SUMMARY.pdf>

(۲) زنان در نیروی کار متخصص

Women in the Professional Workforce

Updated February 2015

<http://dpeaflcio.org/professionals/professionals-in-the-workplace/women-in-the-professional-and-technical-labor-force>